

روشن بینی برای تغییر علی رضا شجاعی زند^۱

چکیده

هنوز تصویر درستی از پیشرفت، راهبردها و استراژی‌های آن وجود ندارد و موانع و مشکلات پیش روی آن بررسی نشده است. در دوره پیشین، دین، همواره ابژه بوده است؛ اکنون، دین تبدیل به سوژه‌ای شده است که می‌تواند درباره چیزها حرف بزند. مدرنیته حدود چهارصد سال عمر کرد تا به کمک فلاسفه و اندیشمندان به جایگاهی رسید که بتواند سنت را از میدان خارج کند. مدرنیته در مواجهه با رقیب در حال افول خود، در یک فضای خالی توانست در حدود سیصدسال جای گیر شود. مدرنیته، وجه فلسفی توانمندی دارد و فلسفه‌های متعدد، بخش علمی و ساختار توانمند، آن را پشتیبانی می‌کند، بخش کالایی و مصرفی درخور اعتنایی نیز دارد. برای ارائه بدیل این مدرنیته باید عمری هزارساله را سپری کرد و حدود چهل سال، زمان بلندی نیست. مأموریت اصلی دین، تحول در انسان است. مهم‌ترین عنصر مؤثر در بسترسازی برای این تحول، حاکمیت است؛ بنابراین ما به مثالی معتقد هستیم که در قاعده آن امر تحول وجودی انسان قرار دارد و در دو یال آن، تجربه معناداری در زیست فردی و مدیریت قدرت و بسترسازی اجتماعی قرار دارد. تمرکز در هر یک از یال‌ها، منفک از دیگری، به معنای افراط و تفریط است. باید بین انتظار از دین و قلمروی دین تفاوت قائل شویم. یکی از خطاها این است که انتظارات خود را به دین تحمیل می‌کنیم و با برگزینی بخشی، می‌گوییم دین ناموفق بود. باید به دین مراجعه کرد و در کلیت آن نگرینست و از این طریق، قلمروی آن را مشخص کرد. از مسیر عقل نمی‌توان قلمروی دین را تعیین کرد.

برای فهم درست و کامل دین باید به دو امر توجه کرد:

- نگاه معرفت‌شناسانه به دین؛

- اقتضانات ناظر به واقعیت.

همسوبودن نهادهای مختلف اجتماعی، باعث سرگردانی انسان میان این نهادها می‌شود. این انسان از ویژگی‌های وجودی خود، قطع ارتباط می‌کند و فقط بر اساس اقتضانات و دستورات عمل می‌کند. دین به معنای فرآروی از مادیت، منیت و موقعیت است که علاوه بر انگیزه فرآروی، مسیر و هدف را نیز مشخص می‌کند. فرآروی، جوهر دین است. بنیان نظریه ولایت فقیه، تنها فقه در احکام نیست؛ بلکه مبنای آن، دین در کلیت و جامعیت آن و عقل است.

واژگان کلیدی: مدرنیته، معرفت‌شناسی، پیشرفت، تحول، ولایت فقه.

^۱ عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس.